جستارهایی پیرامون پیمان سعدآباد و عوامل پیدایش آن

مهدی فرجی[۱]

تاریخ دریافت:۹۲/۲/۱۸
تاریخ پذیرش:۹۲/۴/۴

چکیده

پیمان ســـعد آباد، پیمانی منطقه ای بود که در اوضاع و احوال ناآرام قبل از جنگ جهانی دوم، میان چهار کشور همسایه افغانستان، ایران، ترکیه و عراق با پیشـــقدمی ایران در سال ۱۳۱۶ هـ ش/۱۹۳۷ م. در تهران منعقد شـــد. پیمان مذکور متعهدین را ملزم به رعایت اصول عدم تجاوزات مرزی، عدم مداخله در امور داخلی، تســـویه صلح آمیز منازعات و... می نمود. بازشناســـی چگونگی شکل گیری پیمان ســـعدآباد، تبیین هدف و عوامل مؤثر در انعقاد پیمان یاد شده، مهمترین پرســـش های این مقاله می باشند. تبیین و تحلیل زمینه ها و عوامل موثر و نقش و یا عدم نقش انگلیس در شکل گیری این پیمان، مهمترین تلاش مقالۀ حاضر می باشد و بر مبنای بررسی های صورت گرفته، ارتباط دادن دسیسه چینی بریتانیا یا شوروی در پیشبرد پیمان سعدآباد، عاری از حقیقت است.

واژگان کلیدی

پیمان سعد آباد، روابط سیاسی، ایران و ترکیه، انگلیس، شوروی.

۱.نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته تاریخ در دانشگاه شهید بهشتی Mehdi_faraji1361@yahoo.com

مقدمه

پیمان ســعدآباد، دو سال قبل از شــروع جنگ جهانی دوم(۱۳۱۶ ش/ ۱۹۳۷ م)، میان چهار کشــور همسایه ایران و ترکیه و عراق و افغانســتان منعقد شــد. قبل از شروع جنگ یاد شده، دســته بندیهای سیاسی و نظامی در حال شــکل گیری و تکوین بود. برخی از کشورها در پی آن بودند تا خود را از این دســته بندیها دور ســازند، برخی دنبال آن بودند تا با انعقاد قرار دادهایی، استقلال خــود را تضمین نماینــد، و برخی دیگر می خواســتند با یک کشــور قدرتمند متحد شــده و یا با ورود به یک پیمان صلح، خود را از تجاوزات و خســارتهای وسیعی که در شــرف وقوع بود، ایمن ســازند. با توجه به چنین فضای سیاســی و نظامی، چهار کشــور یاد شده پیمان سعد آباد را منعقد نمودند. در تبیین عوامل و زمینه های مؤثر بر شــکل گیری این پیمان و اینکه هدف از انعقاد آن چه بوده، دیدگاه های مختلفــی وجود دارد. برخی از صاحبنظران نقشــی فعال برای دولت انگلیس در انعقاد پیمان مذکور قائل بوده و پیمان سعد آباد را پیمانی ضدّ شوروی تلقی نموده و گروهی دیگر آن پیمان را با توجه به سیاست خارجی ایران و ترکیه، تبیین نموده و نقشی برای انگلیس قائل نشده اند. مســئله مقاله حاضر این اســت که عوامل پیدایش و زمینه هــای ظهور پیمان سعدآباد چه بود؟ پرسشــهایی که جهت پاسخ دهی به مســئله مزبور مطرح می گردد، عبارت از این است که عوامل و زمینه های دخیل در شــکل گیری این پیمان چه بود ؟ آیا شــکل گیری پیمان ســعد آباد، بنا به ارادۀ دولت انگلیس بود؟ هدف از انعقاد پیمان یاد شــده چه بود ؟

روند تصویب پیمان

در جریان سفر رضا شــاه به ترکیه در سال ۱۳۱۳ ش./ ۱۹۳۴ م. گفتگو و مقدمات اولیه پیمان ســعد آبادپیش بینی شــده بود.[1] وزیر امور خارجه ایران، این موضوع را با وزرای امــور خارجه ترکیه و عراق در میان گذاشــت و در شهریور ســال ۱۳۱۴ ش./ ســپتامبر ۱۹۳۵ م. به هنگام اجلاس مجمــع عمومی جامعه ملــل در ژنو به تصویب نمایندگان هر سه کشور رسید. پس از آن، وزیر امور خارجه ایران در صدد جلب همکاری و مشــارکت دولت افغانســتان برآمد و آن دولــت در آبان ماه ۱۳۱۴ ش./نوامبــر ۱۹۳۵ م. موافقــت خود را با پیوســتن به پیمان مذکــور به اطلاع دولــت ایران رســاند. به این ترتیب شالوده پیمان چهارگانۀ سعد آباد ریخته شد. ولی اختلافات مرزی ایران و عراق مانع کسب نتیجه و عقد پیمان مزبور شد.[2]

در خرداد مــاه ۱۳۱۴ ش. /مــی ۱۹۳۵ م. که در جامعه ملل، شــورایی برای حل اختلاف مرزی ایران و عراق تشکیل شده بود، مسیو ادن نماینده انگلستان و رشدی بیک (آراس) وزیر امور خارجــه ترکیه، تلاش کردند تا دیدگاه های باقــر کاظمی، وزیر امــور خارجه ایران، و نوری سعید پاشــا نماینده عراق را به هم نزدیک کنند.[3] سرانجام عهدنامه مرزی ایران و عراق که در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۱۶ش/۴ ژوئیه ۱۹۳۷م. در تهران امضاء شد، به اختلافات این دو کشــور پایان داد. ماده چهار پروتکل این عهدنامه به گونه ای تنظیم شد که بر حقوق بریتانیا در شــط العرب تأکید گردید: بدیهی است که به شرط رعایت حقوق ایران در شــط العرب هیچ یک از مقررات این عهدنامه بــه حقوق و وظایفی کــه دولت عراق به موجب ماده ۴ عهدنامــه ۳۰ ژوئن ۱۹۳۰ /۹ تیر ۱۳۰۹، و فقره هفدهم پروتکل منضم آن، مورخ به همان تاریخ نســبت به شــط العرب در مقابل دولــت انگلیس دارد خللی وارد نخواهد شــد. [4] بنابراین کمک بریتانیا در رفع اختلافات مرزی ایران و عراق در راســتای حفظ منافع این کشــور در منطقه و پیمان چهارگانه شرقی فهمیده می شود. البته باید توجه داشــت که اختلافات ایران و عراق با تســلیم مقداری از اراضی ایران به عراق خاتمه یافت.

روزنامه نیمه رسمی اطلاعات این کم کاری دولت ایران را با عنوان گذشت و فداکاری ایران یاد می کند و اضافه می کند: البته این اختلاف کامــلا مطابق میل و توام با صرفه ما نبود ولی... دولت شاهنشاهی ایران... مایل بود که نسبت به دولت همسایه و جوان خود ابراز حسن نیت نموده... ولو با یک فداکاری بزرگ هم که شده، دوستی خود را با آنها تحکیم نماید.[5]

پس از پایان یافتن اختلافات مرزی ایران با عراق، زمینه

---

۱. تحولات روابط شاهنشــاهی ایران با کشورهای افغانســتان –بنگلادش– پاکستان –ترکیه –سری لانکا –نپال و هند در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، بی جا :اداره پنجم سیاسی،اداره انتشــارات و مدارک،آذر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص۱۱۱.

۲. ایران، س ۲۱، ش، ۵۳۱۷، ۱۱ تیر ۱۳۱۶،ص۲.

۳. اطلاعات، س ۹، ش، ۲۵۰۱، ۱۴ خرداد ۱۳۱۴، ص ۱.

۴. ستاره، س اول، ش، ۳، ۲۸ تیر ۱۳۱۶، ص ۱.

۵. اطلاعات، س ۱۲، ش، ۳۴۲۶، نوبت صبح ۲۶ اسفند ۱۳۱۶، ص ۱.

برای امضای عهدنامه سـعد آباد، فراهـم آمد. با توجه به اینکه ایران پیشـنهاد دهنده انعقاد ایـن پیمان بود، بنابراین عهدنامه سـعد آباد در تیرماه ۱۳۱۶ش / ژوئیه ۱۹۳۷م در تهران به امضـای وزرای امور خارجه چهار کشور ایران، ترکیه، افغانسـتان و عراق رسید.[۱] روز ۱۷ تیرماه ۱۳۱۶ش/۸ ژوئیه ۱۹۳۷م وزی ران امور خارجه چهار کشور ایران، افغانسـتان، ترکیه و عراق شورای ائتلاف شرقی را تشـکیل دادند و تصمیم گرفتند این شـورا که اعضای آن، متشـکل از وزیران امور خارجه چهار کشور امضا کنندۀ پیمان سـعد آباد باشد، حداقل یکمرتبه در سال، در ژنو یا در هر نقطه‌ای که خود شورا اعلام نماید، تشکیل شود؛ و نیز رهبری شورا به صورت دوره‌ای از یک کشور به کشـور دیگر واگذار گردد. ولی چون مبتکر این پیمان، ایران بـود، رهبری اولین دوره سالیانه شـورای مذکور به وزیر خارجه ایران واگذار شد. همان روز تدابیری نیز جهت تقویـت ارتباطات خود با جامعه ملل اتخاذ گردید.[۲]

محتوای پیمان

پیمان مزبـور، دولتهای امضا کننـده را متعهد می کرد که از مداخله در امور داخلـی یکدیگر خودداری نموده، مرزهای مشـترک را محتـرم بشـمارند و هیچگونه تجاوزی علیه هـم ننمایند و از تشـکیل جمعیت ها و گروههایی که هدفشـان برآشـفتن صلـح در یکی از کشورهای هم پیمان باشد، جلوگیری کنند.[۳]

پیمان چهارگانه سـعد آباد، اصول بیان شـده قبلی در بیش از ده قرارداد و پروتکل دو جانبه، منعقده بین ایران و هر سه کشـور همسایه را در طول سـالهای ۱۳۰۰– ۱۳۱۶ ش./ ۱۹۲۱ –۱۹۳۷ م. در بـر می گرفت. اصول مربوط به عـدم تجاوزات مرزی، عـدم مداخله در امور داخلی، تسـویه صلح آمیز منازعات و عدم تجاوز در این قرارداد، همگـی قبلا پذیرفته شـده بودند. حتی پیش بینی ماده ۷ در مورد اقدامات علیه گروههای شورشی، طرح کاملاً جدیدی نبود. ماده ۵ در مورد پیمان سعدآباد گفته بود: چون اوضاع عمومـی قرارداد مودت و امنیت بین ایران و ترکیه، حدود سیزده سال قبل در تاریخ اول اردیبهشـت ۱۳۰۵ ش./ ۲۲ آوریـل ۱۹۲۶ م. اصول مشابه این قرارداد را بیان کرده بود.[۴]

هدف از انعقاد پیمان

رضا شـاه پهلوی در مراسم گشـایش یازدهمین دوره قانون گذاری در مورد پیمان سعدآباد گفته بود:

چون اوضاع عمومی جهان ایجـاب می کرد که ما نیز بیش از پیش در تحکیم بنیان صلح بکوشـیم و بوسایل حل مسالمت آمیز اختلافات توسعه دهیم، بنابراین پس از رفع اختلافات سـرحدی با عراق، دولت ما قراردادی را که در طرح آن قبلا توافق حاصل شـده بود، با دولت دوست و همسایه خود افغانستان و ترکیه و عراق به نام پیمان س عد آباد منعقد نمود. مانند این پیمان در شرق بی سابقه بود. یگانگی ما و دول مزبور را که از چند سال پیش رو به استحکام داشت، کاملا استوار و پایدار کرد و در این هنگام که امور عالم دچار آشـفتگی است، مدد بزرگی به بقای صلح خواهند نمود.[۵]

توفیق رشـدی بیک، وزیر امور خارجـه ترکیه، بعد از امضاء معاهدۀ سعد آباد در تهران، در ارتباط با کشورهای امضا کننده این پیمان و سیاست آنها و نیز در مورد پیمان یاد شده گفت:

ما اعضاء این پیمان، یک دسـته بیطرف و بدون هیچ جبهه‌ای تشـکیل می‌دهیم ولی از آن بـی طرفهائی هستیم که در عین حال چسبیده و مربوط به جامعه ملل هستیم، ما از آن بی طرفهائی هستیم که هیچ مهاجمهی نباید کمترین انتظار کمک و مساعدتی از طرف ما داشته باشد. ما از زمره بی طرفهائی هستیم که لطف و شفقت ما فقط ممکن است شامل حال سـتم دیدگان گردد. ما دسته مللی هسـتیم که دارای سیاسـت مثبت و صلح جویانه می‌باشیم... آرزوی ما آن است که بتوانیم اطفال خود را در آرامش و سکونت پرورش داده، مزارع خویش را در پنـاه امنیت زراعت کنیم... اگـر می‌خواهیم قوی باشیم برای آن اسـت که از ضعیف چه برای خودمان و چه برای سایر ملل دنیا متنفریم. اگر ما از جنگ بیزاریم، برای آن نیست که از جنگ وحشت داریم، بلکه معتقدیم که این چاره تا کنـون هیـچ دردی را دوا نکرده و هیچ مشکلی را حل ننموده است...[۶]

از بیانات رضا شـاه آنچه فهمیده می‌شـود، تاثیر دسته

---

۱. تحولات روابط شاهنشـاهی...، ص ۱۱۱–۱۱۲و هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۴۹)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، ص ۲۱۹.

۲. اطلاعات، ش، ۳۱۸۷، نوبت عصر ۱۹ تیر ۱۳۱۶، ص ۱.

۳. تحولات روابط شاهنشاهی ایران...، همان و هوشنگ مهدوی، همان؟؟ ص چند؟؟؟؟.

4. Ramezani, Ruhillah (1966), The foreign policy of Iran 1500-1941,The university of Virginia, p27.

۵. اطلاعات، ش، ۳۲۵۱، ۲۱ شهریور ۱۳۱۶، ص ۱.

۶. همان، ش، ۳۱۸۸،۲۰مهر ۱۳۱۶، ص ۳.

بندیها و رقابتهای سیاسی و نظامی کشورهای جهان آن دوره بر عزم ایران جهت رفع اختلافات با همسایگان و عقد پیمان تضمین کننده صلح، مانند پیمان سعد آباد است. از فحوای سخنان وزیر خارجه ترکیه نیز چنین استنباط می‌شود که شکل گیری پیمان سعد آباد جهت حمایت از جبهه خاصی نظیر انگلیس نبوده و تنها به فکر تامین صلح و انجام اصلاحات داخلی برای امضا کنندگان پیمان مذکور بوده است.

تحلیل رمضانی از علت انعقاد پیمان یاد شده و هدف ایران از انعقاد آن، این است که بررسی پیمان سعد آباد، باید با توجه به جایگاه آن در سیاست خارجی ایران نو انجام گیرد. به اعتقاد او دستیابی رضا شاه به اهداف اساسی استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، نیازمند اتخاذ سیاستها و اقدامات ویژه در برابر قدرتهای رقیب قدیمی (روسیه و بریتانیا) بود. اگر ایران توانش را در مشاجرات قبیله‌ای و مرزی با کشورهای همسایه هدر می‌داد، آن سیاستها و اقدامات ویژه به اندازه کمی موفقیت آمیز می‌شدند. برای نمونه جهت آزاد نمودن اقتصاد شمال ایران از وابستگی قدیم‌اش به بازارهای روسیه، نیاز بیشتری به صنعتی سازی و مدرنیزاسیون و گسترش راههای ارتباطی داشت. همچنین جهت رهایی از بند همسایه شمالی غول پیکر، نیاز به دسترسی به بازارهای جهانی از طریق جاده‌های تبریز – رواندوز و تبریز –ارزروم که در خاک عراق و ترکیه بودند، داشت. سیاست مبتنی بر حسن همجواری رضا شاه در تسویه مشاجرات مرزی و قبیله‌ای و اظهار اصول جدید برای اداره کردن روابط ایران نو با همسایگان شکل گرفت. بنابراین توضیحات، شکل گیری پیمان سعدآباد، چشم اندازی از سیاست خارجی ایران بود.۱ تحلیل رمضانی عاری از نقش انگلستان و وحشت آن، از تبلیغات کمونیستی شوروی بود. نظر او در برقراری روابط حسن همجواری برای ایران از طریق این پیمان قابل قبول است.

روزنامه نیمه رسمی اطلاعات در باب اهمیت و هدف پیمان سعد آباد می‌نویسد: ... پیمان سعد آباد... ناشی از یک حساسیت عالیتر و ایمان و اعتقاد شدید و حسن تفاهم کاملی است که بین چهار کشور عضو ائتلاف شرقی موجود می‌باشد. زیرا زعماء... بزرگی که این چهار کشور را اداره می‌کنند، از لحاظ پیشرفت، نقشه های وسیعی که برای تعقیب اصلاحات داخلی و ترقی و آبادی میهن عزیز خویش طرح نموده‌اند بعد از امنیت داخلی که بحمدالله در تمام کشورهای آنها برقرار است، امنیت خارجی، یعنی برقراری صلح و سلم را در حدود کشورهای خود لازم می‌شمرند... در آینده فرض هر نوع پیش آمد سوء و حدوث هر گونه اختلاف و محاصره‌ای در جهان، این منطقه بیطرفی خود را حفظ خواهد کرد و از آتش خانمانسور کشمکشهای بین المللی برکنار خواهد ماند... ۲ با توجه به مطلب نقل شده فوق، ایران و دیگر کشورهای عضو در آن پیمان احتمال بروز جنگ جهانی دوم را پیش بینی می‌نموده و در پی مطمئن شدن از عدم تجاوز از جانب همسایگان خود بودند که در نقاط استراتژیکی از جهان قرار گرفته بودند تا از این طریق قدم در انجام اصلاحات داخلی بگذارند. اتخاذ این سیاستها برای ایران و ترکیه اهمیت بسیاری داشت.

بزرگترین و مهمترین کارائی پیمان سعد آباد، جمع نمودن چهار کشور ایران، ترکیه، افغانستان و عراق به دور هم،پس از حل و فصل اختلافات مرزیشان و کسب شهرت قابل توجه وجهانی برای آنها بود. در متن عهد نامه و در عمل هیچگونه طرح اقتصادی، دفاعی و تهاجمی نداشتند. این پیمان در دنیای آن روز برای چهار کشور یاد شده، بویژه ایران و ترکیه به خاطر اتخاذ سیاست بی طرفانه و صلح آمیزشان، شهرت قابل توجهی فراهم آورد. پیمان سعد آباد به ترکیه کمک نمود تا پیمان بالکانش را در غرب ترکیه،متعادل کند. به قدرت رسیدن موسولینی و هیتلر،ترکیه را نه تنها به یونان بلکه به دیگر کشور های بالکان نزدیک کرد. ترکیه مشغول انجام امور مربوط به انعقاد پیمان بالکان بود تا وزنه تعادلی مقابل ایتالیا و آلمان امپریالیست باشد. تا اینکه سرانجام آن پیمان در اوائل سال ۱۳۱۳ ش./۱۹۳۴م. امضاء شد.۳ پیمان سعد آباد تغییر سیاست ترکیه از تجاوز طلبی به صلح طلبی را پس از نابودی امپراتوری عثمانی به کشور های جهان اعلام نمود.۴

جان فوران نیز معتقد است که پیمان سعدآباد، پیمانی امنیتی در عرصه بین المللی نبود و ...تنها، تلاشی در مسیر پیشبرد دیپلماسی منطقه ای گروهی از کشورهای غیر غربی بود که نمی خواستند در برقراری

---

1. Ramezani, ibid, p. 274.

۲. **اطلاعات**، ش، ۳۱۸۹، نوبت عصر ۲۰ تیر ۱۳۱۶، ص ۱.

3. Kinross, Lord. Atatark , New york, 1965,p.523.

4. Ibid, p. 526.

روابط بـــا یکدیگر،قدرتهای محـــوری جهان را دخالت بدهند.[۱]

انگلیس و پیمان سعد آباد

در مورد اینکه انگلیس در انعقاد پیمان ســـعد آباد نقش داشـــته، نظراتی وجود دارد. حســـین مکّی درباره نقش انگلیس در انعقـــاد پیمان مزبور به انقلاب بلشـــویکی ۱۲۹۶ ش./ ۱۹۱۷ م. در روســـیه و وحشت انگلیس از وقوع این انقلاب اشـــاره کرده و می گوید: انگلســـتان پس از انقلاب ۱۲۹۶ ش./۱۹۱۷ م. روســـیه، سعی کرد تا با ایجاد حکومتهای دست نشـــانده و قوی در جنوب روسیه یعنی ایران، افغانســـتان، ترکیه و عراق و اتحاد این حکومتها، نیروئی بوجود آورد که ســـپر و بلاگردان هندوستان شـــده و این حکومتها در حکم ملایم کننده ضربه بـــکار آیند.[۲]به عقیده او، انگلیســـی هـــا در نظر داشتند، برای آنکه حلقه‌ای پولادین در اطراف شوروی کشـــیده باشـــند، پیمانی چهارگانه میان ایران، ترکیه، افغانستان و عراق بوجود آورند. در این زمینه ابتدا جهت ایجاد روابط دوســـتانه بین ایران و ترکیـــه اقدام کردند که به دعوت رضا شـــاه به ترکیه منجر شـــد. چون باید مقدمات پیمان سعد آباد بین چهار کشور یاد شده منعقد گردد، کوشـــش به عمل آمد تا هرچه بیشـــتر در تشدید روابط دوستانه بین این کشورها اقدام نمایند. ظن قوی این است که واسط این زد و بندهای سیاسی، انگلیسیها بودند، چون پیمان سعد آباد بنابر اراده آنها بوده است. ۳

هوشنگ مهدوی نیز با نقش انگلستان در انعقاد پیمان ســـعد آباد موافق بوده و می گوید: زمامداران انگلستان فکر انعقاد یک پیمان دفاعی بین کشورهای خاورمیانه در فاصله بین دو جنگ را مطرح و آن را به عنوان سدی در جلوگیری از توســـعه و نفوذ شـــوروی به سوی خلیج فارس و چاههای نفت خاورمیانه لازم می‌شـــمردند. به این جهت در عرض چند سال کوشیدند، اختلاف میان دولتهای این منطقه را به تدریج مرتفـــع و زمینه انعقاد پیمان همکاری و عدم تعرض ناحیه‌ای که به نام پیمان سعد آباد مشهور است را فراهم سازند. ۴ وی در ادامه، با توجه به محتوا و مفاد پیمان سعد آباد در تفسیر و تحلیل خود از این پیمان می‌گوید: متاسفانه در جریان حوادث ۱۹۴۱ پیمان ســـعد آباد عدم کفایت خـــود را به ثبوت رسانید.[۵]

این عبارت هوشـــنگ مهدوی در بر گیرنـــده این نکته است که در اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ ش./ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۱ م. توســـط متفقین، دیگر اعضای پیمان مذکور، می‌بایستی در کنار ایران با متفقین می‌جنگیدند و یا مانع از اشغال ایران می‌شدند.

در این مورد که مکی معتقد اســـت انگلســـتان در ایجاد پیمان سعد آباد نقش داشـــته و آن را جهت جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه و هندوســـتان پایه ریزی کرد و انگلستان بود که جهت ایجاد روابط دوستانه بین ایران و ترکیه اقداماتی نمود و منجر به سفر رضا شاه به ترکیه و در نهایت باعث انعقاد پیمان سعد آباد شد و به صراحت می‌گوید: پیمان ســـعد آباد بنا به اراده آنها] انگلستان[بوده اســـت ، نظر نگارنده با عقیده مکـــی مغایرت دارد. چرا که نخســـت؛ پیمان مذکور، هیچـــگاه در متن عهد نامه و در عمل، پیمانی ضد کمونیســـتی و ضد شوروی نبود، هر چند دولت شـــوروی این پیمـــان را کم و بیش خصمانه دانســـت و آن را حصـــار امنیتـــی بیگانه که منظورش انگلستان بود، تلقی نمود۶اما هیچیک از مفاد پیمان حاوی اقدامی یا حتی عبارتی ضد کمونیســـتی و ضد شوروی نبود. دوم؛ رضا شاه مطیع محض انگلستان نبود تا مجری اوامر او باشـــد، ولی برخـــی از اتفاقات و اقدامات رضا شاه و یا دیگر کشـــورهای منطقه از جمله ترکیه با اهداف انگلســـتان مـــوازی در می‌آمد. در مورد پیمان ســـعد آباد نیز همین مورد صدق می کند. صلاح رضا شاه و سیاستگذاران خارجی او در این بود که ایران در محاصره سه کشـــور ترکیه و افغانستان و عراق قرار نگیرد و همزمان با هر ســـه آنها، اختلاف مرزی نداشته باشد. بلکه به هر نحوی شـــده با آنها کنار بیاید و نیرو و توان خود را صرف مشـــاجرات بیهوده و مضر با آن سه کشـــور نکند و به انجام اصلاحات داخلی همت گمارد. سوم؛ درست است که انگلســـتان در منطقه خاورمیانه منافع حیاتی داشـــت و پس از آنکه موفـــق به تصویب قرارداد ۱۲۹۸ ش./ ۱۹۱۹م۷ در ایران نشـــد، به دنبال

۱. جان فـــوران، (۱۳۸۰)، مقاومت شـــکننده (تاریخ تحـــولات اجتماعی ایران)،ترجمه احمد تدین، چاپ سوم، تهران: رسا، ص ۳۷۱.
۲. حسین مکی (۱۳۶۲)، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ششم، تهران: نشر ناشر، ص ۳۴۰.
۳. همان، ص ۱۴۴-۱۴۵.
۴. هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ص ۳۷-۳۸.
۵. همان،تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۱۹.
۶. ژرژ لنچافســـکی،(۱۳۷۷)، تاریخ خاورمیانه، ترجمه هـــادی جزایری، بی جا: اقبال، ص ۱۷۷.
۷. برای اطلاع از محتوای این قرارداد و اهداف انگلستان از تصویب آن در ایران ← ســـیروس غنی، (۱۳۸۵) ایران برآمدن رضا خان برافتـــادن قاجار و نقش انگلیسیها، چاپ چهارم، ترجمه حسن کامشاد،تهران: نیلوفر، ص ۳۹-۵۴.

آن از کودتای رضا خان حمایت کـــرد. لرد کرزن در ایام کودتای رضا خان گفتـــه بود: اکنون کـــه قصد داریم تحت الحمایگی بین النهرین را عهده درا شـــویم که ما را با مرزهای غربی ایران همجوار می‌سازد، نمی‌توانیم اجازه دهیم که بین مرزهای امپراطوری هندوستان در بلوچستان و مرزهای تحت الحمایه ما، زمینه‌ای مساعد برای ســـوء حکومت، دسایس دشـــمنان، هرج و مرج مالی و اغتشاش سیاسی وجود داشـــته باشد. به علاوه اگر ایران تنها گذارده شود، بنابر شـــواهد بسیار، بیم آن می‌رود که از ســـمت شـــمال تحت نفوذ بلشویکی قرار گیرد. [۱] ولی رضا شـــاه مدتی از حکومتش نگذشته بود که حق کاپیتولاســـیون را از انگلســـتان گرفت و بر سر جزایر ایران در خلیج فارس به ویژه بحرین مشـــاجراتی با آن کشـــور نمود و بر ســـر قرارداد نفتی دارسی نیز در ســـال ۱۳۱۲ش/ ۱۹۳۳ ش،با انگلســـتان درگیر شد. همچنین در ارتباط با شـــورش کردهای ترکیه، مقامات ایرانی از فعالیتهای انگلیســـیها در بین کردهای ایران و در مرزهای ایران و عراق احساس نگرانی کرده بودند[۲] هرچند که تحریکات انگلیســـیها به اثبات نرسیده بود. این فقره نیز شـــاهد دیگری اســـت بر عدم هماهنگی سیاستهای ایران و انگلســـتان و ترس مقامات ایرانی از اقدامات آن کشور در منطقه. وقتی مدارک، ناهماهنگی سیاستهای ایران و انگلســـتان را نشان می‌دهد،چگونه می‌توان اســـتدلال کرد که ایران در انعقاد پیمان سعد آباد، مجری سیاســـت انگلســـتان بود؟ در بخش اول تحلیل خود گفتیم که پیمان مذکور، پیمان ضد شوروی و ضد کمونیستی نبود. گواه دیگر ما این است که ترکیه در سال انعقاد پیمان سعد آباد، با شوروی روابط دوستی و اقتصادی داشـــت و در تاریخ ۲۲ تیـــر ۱۳۱۶ ش./ ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۷ م. رشدی آراس وزیر امور خارجه و شکری کایا، وزیر امور داخلی ترکیه به مسکو سفر کرده بودند.[۳] همچنیـــن در تاریـــخ ۱۵ مهـــر ۱۳۱۶ ش. / ۱۸ اکتبر ۱۹۳۷ م. در آنـــکارا عهدنامه تجارت و کشـــتیرانی بین ترکیه و شوروی امضا شـــد.[۴] حتی ترکیه وقتی پیمانی دفاعی، در ۹ مـــاده و ۲ پروتکل منضم به آن با فرانســـه و انگلیـــس در ســـال ۱۳۱۸ ش./ ۱۹۳۹ م. منعقد نمود، علیرغم آنکه در پیمان نامه آمـــده بود که هر گاه جنگی در دریای مدیترانه رخ دهد که منجر به باز شـــدن پای یکی از متعهدیـــن پیمان به جنگ در آن منطقه شـــود، بقیه کشور های متعهد به آن کشور کمک خواهند نمود ولی در پروتکل شماره ۲ گنجانده شده بود که انگلیس و فرانســـه نمی توانند ترکیه را وادار به جنگ با شوروی کنند.۵ عصمت اینونو رئیس جمهـــور وقت ترکیه نیز هنگام گشایش دور تازه مجلس ملّی آن کشور درمورد پیمان ترکیه با فرانسه و انگلیس بر ادامه روابط دوستانه با شـــوروی تأکید کرد و گفت: امضاء ایـــن پیمان نباید بر دوســـتی ما با شـــوروی لطمه وارد کند و ما دوستی خود را با شـــوروی ادامه خواهیم داد. ۶ مطلب دیگر در رد ضد شوروی بودن پیمان ســـعد آباد، اینکه وزیر امور خارجه ایران در نامه ای که به محمد ساعد،سفیر ایران در مسکو به تاریخ ۱۳۱۹/۴/۱۴ ش./۵ ژوئیه ۱۹۴۰ م. نوشت، ابراز نمود: شنبه شب رادیو مسکو به زبان فارسی در برنامه خوداعلام نموده که اســـنادی کشف شده که فرانسه و انگلیس به همکاری ترکیه و ایران قصد حمله به چاه های نفت قفقاز دارند. روزنامه های ایزوســـتیا و پراودا در شـــوروی، ایران و ترکیه را تهدید کرده اند. به طوری که مطلعید سیاســـت ایران حفظ بی طرفی است و به هیچ کشـــوری اجازه نخواهـــد داد از خاک و یا نیرو های ایران بر علیه کشـــور دیگر استفاده نماید. سیاست شـــوروی هم تا به حال طبق اظهارات رهبران سیاسی آن کشـــور نســـبت به ایران صمیمانه بوده است. لازم است فوراً با مقامات شوروی مذاکره نمائید و تذکر دهید که سیاست ایران همان اســـت که بوده، یعنی حفظ بی طرفی و اجازه ندادن به هیچ کس که خاک یا قوای ایران را بر علیه دیگری مورد استفاده قرار بدهد و مایلم دولت شوروی هم نسبت به ما سیاســـت روشن داشته باشد نه بوسیله رادیو تهدید نماید.[۷]

در ســـال ۱۳۱۷ ش./ ۱۹۳۸ م. رضا شـــاه از انعقاد قرار داد بازرگانی با اتحاد شوروی که تا آن سال ۳۸درصد مبادله بازرگانی خارجی ایران را تشکیل می داد، سرباز زد. آلمان در ســـال هـــای ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش./۱۹۳۷-۱۹۳۸ م. در مبادلات تجارت خارجی ایران پس از اتحاد شوروی قرار گرفت و مقام دوم را احراز نمود. یعنی جای

۱. محمد رسول آهنگران،(۱۳۸۰)، اصلاحات اقتصادی رضاخان و تاثیر عوامل خارجی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۳۷-۳۸.

۲.اسناد قدیمه وزارت امور خارجه،سند شماره ۸۸- پرونده ۱۶- کارتن ۱۱- سال ۱۳۰۹ ش.

۳.اطلاعات، ش، ۳۱۹۲، نوبت عصر ۲۳ تیر ۱۳۱۶، ص ۵.

۴.همان، ش، ۳۲۸۱، ۲۰ مهر ۱۳۱۶، ص۳.

۵.همان، ش، ۳۹۹۲، ۲۸ مهر ۱۳۱۸، ص ۱.

۶.همان، ش، ۴۰۰۵، ۱۱ آبان ۱۳۱۸، ص ۴.

۷. محمد ترکمان، (۱۳۷۰)، اســـناد نقض بی طرفی ایران در شـــهریور ۱۳۲۰ : سیاست خارجی درآستانهٔ اشغال، تهران: کویر، ۱۳۷۰، ص ۴۰.

انگلیسی ها را گرفت. در این زمان ســـهم آلمانی ها در تجارت خارجی ایران ۲۷درصد و سهم انگلیسیها فقط ۷درصد بـــود. در ســـال ۱۳۱۷ ش./۱۹۳۸ م. وقتی که رضا شـــاه از تمدید قرار داد بازرگانی با اتحاد شـــوروی ســـرباز زد، آلمان در تجارت خارجی ایران، مقام اول را بدست آورد و سهم آن به ۴۱/۵درصد و در سال ۱۳۱۹–۱۳۲۰ ش./۱۹۴۰–۱۹۴۱ م. به ۴۵/۵درصد رســـید.[۱] همه این آمار و ارقام علیه منافع انگلســـتان و نشـــان از عدم پیروزی رضا شاه از سیاســـت های آن کشور دارد. همچنین در ســـال ۱۳۲۰ش./۱۹۴۱م. ایران مهمات و ســـلاح های خریداری شـــدۀ خود از آلمان را از مسیر ترکیه وارد کشور می کرد.[۲] خرید سلاح از آلمان نشانی بر روابط اقتصادی و نظامی ایران و آلمان اســـت که بر ضد منافع انگلیـــس در منطقه و ایران بـــود. با توجه به مدارک موجود، دال بر روابط رضا شـــاه و انگلیس قبل و بعـــد از انعقاد پیمان ســـعد آباد که تأییـــد کننده عدم هماهنگی سیاست های رضا شاه و انگلیس است،گفتن این مطلب کـــه انگلیس،پایه گذار و سیاســـت گردان پیمان ســـعد آباد بود،قابل قبول و منطقی نمی باشـــد. نظر هوشـــنگ مهدوی در ارتباط با پیمان ســـعد آباد را نیز نپذیرفتـــه، به دلایل مزبور کنار مـــی نهیم. اما گفته پایانی هوشـــنگ مهدوی که پیمان ســـعد ابـــاد را در حوادث ۱۳۲۰ ش./۱۹۴۱م. (حادثه اشغال ایران توسط متفقین) ناکارآمد و بی کفایت دانســـته، باید گفت که در هیچ جای پیمان ســـعد آباد، مطلبی،دال بر اینکه وقتی یکی از کشور های متعهد مورد تجاوز کشور بیگانه قرار گرفت، دیگر کشـــور های متعهد، باید به کشـــود مورد تجاوز قرار گرفتـــۀ عضو پیمان،کمـــک نظامی کنند، نیامده است. سؤالاتی که نقش انگلستان و تأمین منافع آن کشور را در انعقاد پیمان سعد آباد مورد تأمل و تردید، قرار می دهد، اینســـت که اگر انگلستان در انعقاد پیمان سعد آباد نقش داشت چه لزومی داشت که از پشت پرده، کارگردان این پیمان باشـــد و خود یکـــی از اعضاء این پیمان نباشد؟ آیا عضویت خود انگلیس در پیمان مزبور و علنی شدن نقش آن کشـــور در انعقاد پیمان سعد آباد هراس و خطری برای آن کشور داشت؟ اینها سؤالاتی هســـتند که از جانب معتقدان به نقـــش و دخالت فعال انگلیس در پیمان مذکور بی پاسخ مانده اند.

در پاسخ به اظهار تأســـف و گلایه هر محقق و خواننده تاریخ که هم پیمانـــان ایران در پیمان ســـعد آباد را بی کفایت و بی تعهد می دانند،بایـــد گفت که هیچ تعهدی بر دوش ســـایر متعهدیـــن از نظر مســـاعدت مالی یا نظامی و... در عهد نامه گنجانده نشـــده بـــود تا هنگام اشغال ایران توســـط متفقین در شـــهریور ۱۳۲۰ش./ ســـپتامبر ۱۹۴۱م. آنهـــا را ملزم به انجـــام آن تعهدات نماید. حتی اگر چنین بود، کشـــور ترکیه که با فرانســـه در ۱۳ تیر ماه ۱۳۱۷ ش./۴ ژوئیـــه ۱۹۳۸ م عهد نامه مودتـــی در هفت مـــاده۳و پیمان تعاون مشـــترک در تاریخ ۲ تیـــر ۱۳۱۸ ش./۲۳ ژوئن ۱۹۳۹م. جهت یاری یکدیگر هنگام بروز جنگ در مدیترانه، منعقد کرده بود و با انگلستان نیز قرار داد بســـته بود که درصورت بروز یک اقدام تهاجـــم آمیز که به وقوع جنـــگ در مدیترانه منتهی گردد، با یکدیگر همـــکاری[کنند].[۴] در بخش دیگر قرار داد ترکیه و انگلســـتان آمده بـــود: این قرار داد... از یک طرف شامل مســـاعدت ترکیه به انگلیس در حفظ فلسطین است و از طرف دیگر متضمن تضمین اســـتقلال ترکیه از طرف انگلیس است. بدین معنی که هر گاه ترکیه مـــورد حمله بیگانگان قـــرار گیرد، دولت انگلیس فـــوراً به کمک خواهد شـــتافت و در عوض هر گاه مصر و فلســـطین مورد تجاوز واقع شوند، ترکیه به آنها کمک خواهد نمود.[۵] تســـلط ترکیـــه بر تنگه های داردانل و بســـفر و دریای ســـیاه حائز اهمیت بود. زیرا وقتی دریای بالتیک به یک دریاچـــه آلمانی تبدیل می شد، دولت انگلیس و فرانسه برای کمک به لهستان در جریان جنگ جهانی دوم،ناچار بودند از دریای سیاه عبور کنند. اگر چه ترکیه به خاور نزدیک اهمیت می داد و در پی روابط صلح آمیز با کشـــور های شرقی خود بود، ولی ســـمت غرب ترکیه که تحولات و مناقشات شدید و پر دامنه و جهانی به خود می دید و از آنسو بیشتر در معرض تهدید قدرت های بزرگ جهان آن روز بود، بیشتر مورد توجه و اهمیت مقامات سیاسی ترکیه بود. منافع ترکیه به صراحت در قرار داد با انگلیس از جمله حفظ استقلال ترکیه با یاری آن کشور، زمانی که مورد تهاجم بیگانه در دریای مدیترانه قرار گیرد، ذکر و تضمین شده بود. حال

---

۱. م. س. ایوانف، (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشـــنگ تیزابی و حسین قائم پناه، بی جا: بی نا، ۱۳۵۶، ص ۹۰–۹۱

۲. خدیجه صلح میرزایی، (۱۳۸۲)، اســـنادی از روابط ایـــران و ترکیه (۱۳۲۰–۱۳۰۴)، تهران: سازمان اســـناد و کتابخانه ملی جمهوری اســـلامی ایران، سند شماره ۲۲۹، ص ۲۱۷—۲۱۸.

۳. اطلاعات، س ۱۳، ش، ۳۵۵۱، ۴ مرداد ۱۳۱۷، ص ۳.

۴. همان، ش، ۳۸۹۵، ۲۴ تیر ۱۳۱۸، ص ۱.

۵. همان،ش: ۳۸۳۲، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۸، ص ۳.

حتی اگر ترکیه تعهدی نسبت به ایران داشت، ایرانی که در آن زمان خطر و منفعت کمتری برای ترکیه داشـــت، چگونه می شـــد صلاح و منافع ملی خـــود را در آن بیند که در واقعه شـــهریور ۱۳۲۰ ش./سپتامبر ۱۹۴۱ م. که ایران مورد اشغال متفقین قرار گرفته بود، رو در روی هم پیمان استراتژیک خود (انگلستان) قرار گرفته و تضمین استقلال خود را در سمت مدیترانه تهدید کند؟

نتیجه گیری

آنچه در مجموع می توان گفت ؛ این اســت که ایران، پیشنهاد دهندهٔ تشـــکیل پیمان چهارگانهٔ شرقی، در پی حل مسالمت آمیز اختلافات خود،با سه کشور همسایهٔ افغانســـتان، ترکیه و عراق بود. شـــکل گیـــری پیمان سعد آباد چشم اندازی از سیاســـت خارجی ایران برای دستیابی به اســـتقلال اقتصادی و سیاســـی بود. هدف سیاست خارجی ایران، تأمین صلح در عرصهٔ منطقه ای و جهانی بود که پیمان یاد شـــده، یکی از مهمترین ابزار دستیابی به چنین هدفی بود. ایران به دنبال تامین صلح در داخل و خـــارج، جهت انجام اصلاحـــات داخلی بود. موفقیت در انجام چنین اصلاحاتی برای دیگر اعضای پیمان مزبور نیز اهمیت فراوانی داشت.

انعقاد پیمان سعدآباد، ابزاری جهت گردهم آوردن چهار کشور همســـایهٔ یادشـــده و حل اختلاف مسالمت آمیز ایران با همســـایگان بود. علاوه بر آن جبهه گیریهای سیاسی و نظامی درحال شـــکل گیری و جنگ جهانی دوم در شـــرف وقوع بود. هدف سیاســـت خارجی چهار کشـــور عضو در پیمان مزبور، حفظ بیطرفی و صلح در مرزهای خود و در عرصهٔ بین المللی بود. پیمان یادشده گذشـــته از اینکه اعضای خود را از عـــدم تجاوز دیگر اعضا، مطمئن می ساخت، حرکتی نمایشی برای اعلام اتخاذ سیاست بیطرفی و عدم شرکت در جبهه گیریهای موجود در اوضاع آشـــفتهٔ قبل از جنگ جهانی دوم بود تا از این طریق از تجاوز جبهه هـــای متخاصم، در امان باشـــند. علیرقم ادّعای برخی صاحب نظـــران مبنی بر بی کفایتی پیمان مزبور، هیچیـــک از مفاد این پیمان، کشورهای عضو دیگر را هنگام تجاوز کشوری به یکی از کشورهای عضو در پیمان ملزم به دفع تجاوز و کمک نظامی به کشور تجاوز شده نمی کرد.

پیمان ســـعد آباد، بنا به ارادهٔ انگلیس و ضد شـــوروی نبود. چرا که مفاد پیمان و آنچه پـــس از امضای پیمان در عمل مشـــخص شـــد، پیمانی ضد شـــوروی و ضدّ کمونیستی نبود. هیچیک از مفاد پیمان حاوی اقدامی یا حتی عبارتی ضد کمونیستی و ضد شوروی نبود. علاوه بر این رضاشاه از سالهای نخست تا پایان حکومت خود در مواردی از جمله کاپیتولاسیون، جزایر خلیج فارس از جمله بحرین، قرارداد دارسی و در نهایت روابط با آلمان، با دولت انگلیس اختلاف داشـــت. دلیـــل دیگر بر ضد شوروی نبودن پیمان یاد شده اینکه در سال انعقاد پیمان ســـعد آباد (۱۳۱۶ هـ.ش / ۱۹۳۷ م) ترکیه با شـــوروی روابط دوستی و اقتصادی داشت و در همان سال وزرای داخله و خارجه ترکیه به شـــوروی مسافرت کرده بودند. در ســـال ۱۳۱۶ هـ.ش / ۱۹۳۷ م. میان دو کشـــور یاد شـــده عهدنامه تجارت و کشـــتیرانی امضا شـــده بود. دلیل مهمتر اینکه در پروتکل شـــمارهٔ ۲ پیمان دفاعی که میان ترکیه با فرانســـه و انگلیس که در سال ۱۳۱۸ هـ.ش/۱۹۳۹م. منعقد شـــده بود، گنجانده شده بود که فرانســـه و انگلیس نمی توانند ترکیـــه را وادار به جنگ با شـــوروی نمایند. نامهٔ وزیرخارجهٔ ایران در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۱۹ هـ.ش / ۵ ژوئیه ۱۹۴۰ م. به محمد ساعد سفیر ایران در مسکو که در آن بر بیطرفی ایران در دسته بندیهای سیاسی و نظامی تأکید شده بود، دلیل دیگری بر عدم ضدّیت پیمان سعد آباد با شوروی می باشد

فهرست منابع

اسناد قدیمه وزارت امور خارجه،سند شماره ۸۸- پرونده ۱۶- کارتن ۱۱- سال ۱۳۰۹ ش.
تحولات روابط شاهنشاهی ایران با کشورهای افغانستان –بنگلادش –پاکستان –ترکیه –سری لانکا –نپال و هند در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، بی جا :اداره پنجم سیاسی،اداره انتشارات و مدارک،آذر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
تحولات روابط شاهنشاهی...، ص ۱۱۱-۱۱۲و هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۴۹)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران : امیر کبیر.
جان فوران، (۱۳۸۰)، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)،ترجمه احمد تدین، چاپ سوم، تهران : رسا .
حسین مکی (۱۳۶۲)، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ششم، تهران: نشر ناشر.
خدیجه صلح میرزایی، (۱۳۸۲)، اسنادی از روابط ایران و ترکیه (۱۳۲۰- ۱۳۰۴)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۲۲۹.
ژرژ لنچافسکی،(۱۳۷۷)، تاریخ خاورمیانه، ترجمه هادی جزایری، بی جا: اقبال، ص ۱۷۷.
سیروس غنی، (۱۳۸۵) ایران برآمدن رضا خان برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها، چاپ چهارم، ترجمه حسن کامشاد،تهران: نیلوفر.
م. س. ایوانف، (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسین قائم پناه، بی جا: بی نا، ۱۳۵۶.
محمد ترکمان، (۱۳۷۰)، اسناد نقض بی طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰ : سیاست خارجی درآستانهٔ اشغال، تهران: کویر، ۱۳۷۰.
محمد رسول آهنگران،(۱۳۸۰)، اصلاحات اقتصادی رضاخان و تاثیر عوامل خارجی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ص۳۷-۳۸.
اطلاعات ،ش :۳۸۳۲، ۲۳اردیبهشت ۱۳۱۸.
اطلاعات ، ش، ۲۰، ۳۱۸۸مهر ۱۳۱۶.
اطلاعات، ش، ۳۱۸۷، نوبت عصر ۱۹ تیر ۱۳۱۶.
اطلاعات ، ش، ۳۲۸۱، ۲۰ مهر ۱۳۱۶.
اطلاعات ، ش، ۳۸۹۵، ۲۴ تیر ۱۳۱۸.
اطلاعات ، ش، ۳۹۹۲، ۲۸ مهر ۱۳۱۸.
اطلاعات ، ش، ۴۰۰۵، ۱۱ آبان ۱۳۱۸.
اطلاعات، س ۱۲، ش، ۳۴۲۶، نوبت صبح ۲۶ اسفند ۱۳۱۶، ص ۱.
اطلاعات، س ۱۳، ش، ۳۵۵۱، ۴ مرداد ۱۳۱۷.
اطلاعات، س ۹، ش، ۲۵۰۱، ۱۴ خرداد ۱۳۱۴، ص ۱.
اطلاعات، ش، ۳۱۸۹، نوبت عصر ۲۰ تیر ۱۳۱۶، ص ۱.
اطلاعات، ش، ۳۱۹۲، نوبت عصر ۲۳ تیر ۱۳۱۶.
اطلاعات، ش، ۳۲۵۱، ۲۱ شهریور ۱۳۱۶، ص ۱.
ایران، س ۲۱، ش، ۵۳۱۷، ۱۱ تیر ۱۳۱۶،ص ۲.
ستاره، س اول، ش، ۳، ۲۸ تیر ۱۳۱۶، ص ۱.

Kinross, Lord. **Atatark** , New york, 1965.
Ramezani, Ruhillah (1966), **The foreign policy of Iran** 1941-1500,The university of Virginia.